

بررسی اثر فرهنگ بر حافظه مربوط به خود و دیگران در دانشجویان افغانستان،

آمریکا و ایران

باقر رضایی^۱، جواد حاتمی^۲، رضا کریمی نوری^۳، پگاه نجات، مرا قانع، رضا میرزایی

۱ - دانشجوی دکتری روان‌شناسی دانشگاه شاهد تهران، rezai64@gmail.com

۲ و ۳ - عضو هیئت علمی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران

چکیده

این مطالعه با هدف بررسی اثر فرهنگ بر حافظه مربوط به خود و دیگران در دانشجویان افغانستان، آمریکا و ایران طراحی شده است. فرضیه، طی یک تحقیق شبه‌آزمایشی مورد آزمون قرار گرفته است. نمونه مورد پژوهش، متشکل از ۹۸ دانشجوی مرد و زن از سه کشور افغانستان (۱۵ مرد، ۱۵ زن) آمریکا (۱۸ مرد، ۱۶ زن) و ایران (۱۵ مرد، ۱۹ زن) با میانگین سنی، ۲۲،۷۰ و (SD، ۵، ۴) است که در کشور خود متولد شده و در همان کشور سکونت داشته و در رشته روان‌شناسی، درس خوانده‌اند. این گروه‌ها با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس (داوطلبانه) انتخاب شده‌اند. آزمودنی‌ها در اتاقی مجزا و عاری از هرگونه آلودگی سمعی و بصری در مقابل کامپیوتر قرار گرفته و تکالیف مربوط به نوع پردازش و بار عاطفی کلمات را انجام دادند. کلیه داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS15 تجزیه و تحلیل شده است. بر اساس یافته‌های این پژوهش، بین سه گروه مورد مطالعه، در سرعت بازشناسی کل کلمات ارائه شده تفاوت معناداری وجود دارد. این در حالی است که میانگین سرعت بازشناسی کل کلمات دانشجویان افغانستانی نسبت به دانشجویان آمریکایی و ایرانی تفاوت معناداری دارد. همچنین علی‌رغم پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه‌های بین فرهنگی در کشورهای خاور دور و نزدیک در بررسی حافظه مربوط به خود و دیگران کلمات مربوط به خود و دوست توسط شرکت‌کنندگان با سرعت بیشتری نسبت به مادر بازشناسی شده است؛ اما در بین اثر نوع پردازش در تعامل با گروه و همچنین اثر بار عاطفی کلمات و نیز در تعامل با گروه تفاوت معناداری وجود نداشت که نشان می‌دهد کشورهای منطقه خاورمیانه از قبیل افغانستان و ایران، روان‌بندهایشان بیشتر تمایل به سمت کشورهای غربی دارد که آن‌ها را از کشورهای آسیای شرقی متمایز می‌کند.

کلمات کلیدی: فرهنگ، حافظه بلندمدت، سطوح پردازش، ارجاع به خود و دیگران

مقدمه

فرهنگ^۱ برای جامعه، همچون حافظه^۲ برای انسان است. به عبارت دیگر، فرهنگ شامل سنت‌هایی است که نشان می‌دهد پیش از این چگونه عمل شده است. همچنین شامل شیوه‌های نگرش مردم به خود و محیط اطرافشان، پیش‌فرض‌های بیان نشده آن‌ها درباره راه و رسم دنیا و همچنین روشی است که مردم باید عمل کنند (تریاندریس، ۱۳۷۸). جامعه و سبک زندگی در ساخته شدن حافظه تأثیر می‌گذارد. در هر فرهنگی سبک زندگی خاصی وجود دارد که بر الگوی سازش‌یافتگی فرد با محیط تأثیر می‌گذارد. فرهنگ از این طریق بر شخصیت تأثیر می‌گذارد و با گذر زمانی یا مکانی از یک فرهنگ به فرهنگ دیگر، سازمان‌دهی شخصیت ممکن است تغییر کند (حاتمی، ۱۳۸۷). شخصیت نیز در اثر فرهنگی شدن و درونی‌سازی عناصر فرهنگی، سامان می‌یابد. این مبنا می‌تواند در فرایندهای تعیین‌کننده‌ای چون شناخت،^۳ هیجان^۴ و انگیزش،^۵ تأثیرگذار باشد.

تأثیر فرهنگ بر «خود» را می‌توان از طریق مطالعات بین فرهنگی^۶ جستجو کرد. مطالعات قابل‌ملاحظه‌ای (برای مثال، مارکوس و کیتایاما، ۱۹۹۱) در این زمینه صورت گرفته است که همه آن‌ها این تأثیر را تأکید می‌کنند. مارکوس و کیتایاما (۱۹۹۱: ۷) نشان داده‌اند که فرهنگ اروپای غربی، خود فرد را در جهت فردیت‌گرایی^۷ و فرهنگ آسیایی و شرقی و نیز آمریکای جنوبی فرد را به سوی تعلق به گروه سوق می‌دهد. در ادبیات غربی، خود موفق و متکی بیشتر از موارد دیگر به چشم می‌خورد. اگر دوست داشتن مطرح باشد آن‌ها دوست داشتن خود را به دوست داشتن دیگران ترجیح می‌دهند. به این دلیل که فردیت‌گرایی به دلیل تجربیات فراوان، تحرک و ویژگی‌های شتاب‌زده شهرنشینی به وجود می‌آید (پور حسین، ۱۳۸۴).

در سراسر تاریخ روان‌شناسی، محققان از «خود»^۸ به‌عنوان بخش مرکزی توضیحاتشان درباره پدیده‌های گوناگون استفاده می‌کردند (سیمون و جانسون، ۱۹۹۷: ۹) (هونگ^۹ و همکاران، ۲۰۰۰) اعتراف می‌کنند که سنجش محتوای خود، یکی از تکالیف مشکل در پژوهش‌های بین فرهنگی می‌باشد؛ خصوصاً زمانی که ماهیت فردگرایی در مقابل جمع‌گرایی یا خود آمریکای شمالی در مقابل خود آسیایی بررسی شود. بخش زیادی از پژوهش‌ها، پیشنهاد می‌کند که ساختار خود، «بی‌نظیر» و دارای ساختار و محتوایست و یک نقش اثرساز و بااهمیت در خودپنداره دارد. مارکوس و وورف^{۱۲}

- 7- Individualism
- 8- Self
- 9- Hong, Y
- 1 -Collectivism
- 1 -Self-Concept
- 12- Wurf

- 1-Culture
- 2-Memory
- 3-Cognition
- 4-Emotion
- 5-Motivation
- 6 -Transcultural

(۱۹۸۷) اگرچه مطالعات شخصیت سابقه طولانی در مطالعات روان‌شناختی دارد اما این مطالعه در چهارچوب رویکرد شناختی^۱ و بررسی آن در تعامل با فرهنگ پدیده نسبتاً جدیدی است. این پژوهش در پی بررسی نحوه تأثیر فرهنگ بر شخصیت از طریق فرایندهای شناختی است. چندین محقق، درباره ساختار خود در حافظه که ارتباط تنگاتنگ با دیگر مفاهیم دارد در نتیجه اتکا به بسطیافتگی^۲ و خاصیت سازمانی^۳ آن بحث کرده‌اند که به‌طور گسترده در پردازش اطلاعات^۴ استفاده شده است (کیلستروم^۵ و همکاران، ۱۹۸۸). اگر خود، بسطیافتگی و خاصیت سازمانی دارد بنابراین اطلاعات باید به‌طور فعال و خودبه‌خود، نسبت به اطلاعاتی که در دیگر مسیرها هستند بهتر به یاد آورده شوند (از قبیل اطلاعات درباره اشخاص دیگر) (سیمون و جانسون، ۱۹۹۷).

کریک و لوکارت^۶ در سال ۱۹۷۲ برای نخستین بار به معرفی اصل سطوح پردازش پرداختند. به عقیده آنان ادراک یک محرک در سطوح مختلفی از پردازش اطلاعات صورت می‌پذیرد. در اولین مرحله، محرک، از جنبه ویژگی‌ها و خصوصیات فیزیکی^۷ و حسی^۸ ادراک می‌شود؛ درحالی که در مراحل بعدی در سطح عمیق‌تری ادراک صورت می‌گیرد، از جمله معنی‌دادن به محرک‌ها یا درگیر کردن یادگیری‌های گذشته در ادراک کنونی محرک (کرمی نوری، ۱۳۸۳).

در یکی از مطالعات اثرگذار (راجرز و همکاران، ۱۹۷۷)، تئوری عمق پردازش^{۱۰} (DOP) کریک و تالونینگ^{۱۱} (۱۹۷۵) را در حوزه «خود» توسعه دادند. تئوری DOP بیان می‌کند که یادآوری، تابع شیوه پردازش اطلاعات در مرحله رمزگردانی است. هرچه رمزگردانی بسطیافته‌تر و عمیق‌تر باشد یادآوری بیشتری صورت می‌گیرد (سیمون و جانسون، ۱۹۹۷). راجرز و همکاران، ۱۹۷۷، از تکالیف رمزگردانی DOP استاندارد استفاده کرده‌اند و یک مؤلفه جدیدی به تکلیف ارجاع به خود (SR)، وارد کرده‌اند: «آیا این کلمه شما را شرح می‌دهد؟» که نشان‌دهنده حافظه بهتر در شرایط SR نسبت به شرایط معنایی^{۱۲} است و نتیجه گرفتند که اعمال خود به‌عنوان یک «طرح فوق عادی»^{۱۳} برای تسهیل رمزگردانی^{۱۴} و بازیابی اطلاعات^{۱۵} است.

اثر خودارجاعی^{۱۶} (SRE) یکی از پدیده‌هایی است که نشان‌دهنده تفاوت پردازش اطلاعات مربوط به خود با سایر اطلاعات از قبیل دیگران، مانند دوستان نزدیک، مادر و آشنایان است. بهترین توضیح مورد قبول درباره اثر SR این است که SR فرایند بسطیافتگی اطلاعات یادسپاری شده را ارتقاء می‌دهد (کی نان، ۱۹۹۳: ۸). هر یک از ما دارای روان‌بنه بسطیافته‌ای از خود هستیم. این

1 -Depth of processing (DOP) paradigm
1 - Craik, F. I. M., & Tulving, E
1 -Semantic condition
1 -Superordinate Schema
1 -Encoding
1 -Information Retrieval
1 -Self-refrence effect

1-Approval Cognitive
2-Elaborative
3-Organizational
4-Information processing
5-Klhlstrom, J, E
6-Craik & Lockhart
7-Physical
8-Sensory
9-Rogers, T. B

روان‌بته خود، نظام سازمان‌یافته‌ای از نشانه‌های درونی درباره خود، صفات خویش و تجارب شخصی ماست؛ بنابراین ما می‌توانیم اطلاعات مربوط به خودمان را بیش از سایر اطلاعات رمزگردانی کنیم و عملکردمان در یادآوری اطلاعات مربوط به خود، بهتر از اطلاعات مربوط به دیگران است که به این اثر، اثر «خودارجاعی» گفته می‌شود. بسیاری از پژوهش‌ها از این اثر حمایت می‌کنند (مانند باور و گیلیگان، ۱۹۷۹؛ براون، کینان و پانس ۱۹۸۶؛ هالپین و همکاران، ۱۹۸۴).

اثر SR، در برخی مطالعات بین فرهنگی نیز مورد توجه قرار گرفته است که آیا اثر SR در فرهنگ‌های شرقی و غربی به یک‌میزان مشاهده می‌شود یا خیر.

واگرا و چن، از الگوی حافظه اثر ارجاع به خود (SRE)، برای بررسی ماهیت بازنمایی خود در حافظه بلندمدت که زمینه‌های فرهنگی متفاوتی را داراست در دانشجویان کانادایی آسیایی تبار و کانادایی‌های اروپایی تبار استفاده کرده‌اند. در نمونه‌های غربی، کلماتی که با خود مرتبط می‌شد و رمزگردانی شده بود، بهتر یادآوری می‌شد و شرکت‌کننده‌های غربی در این پژوهش، اثر ارجاع به خود استاندارد را نشان دادند. اگرچه شرکت‌کننده‌های کانادایی آسیایی تبار، ویژگی‌های شخصی را به آهستگی بازشناسی کرده‌اند (برخلاف ویژگی‌های جمعی) (چوئی^۱ و همکاران، ۲۰۰۶). در تحقیقی که بر روی حافظه دو فرهنگی^۲ و خودپنداره شرقی و غربی‌ها و همچنین ارجاع به خود و مادر^۳ در فرهنگ‌های قدیمی بر روی حافظه بازشناسی صورت گرفته بود نشان داد: اطلاعاتی که مردم درباره خود نسبت به دیگران رمزگردانی کرده بودند بسط‌یافته‌تر است. بر اساس نتایج، در یک تکلیف حافظه، آن‌ها اطلاعات رمزگردانی شده درباره خود، در مقایسه با اطلاعات رمزگردانی شده در رابطه با چهره‌های عمومی^۴ را بهتر به یاد می‌آورند که این اثر، اغلب به اثر ارجاع به خود (SRE) اشاره دارد که بین آسیای شرقی و غربی‌ها یافت شده است. تحقیقات اخیر نشان داده است که دانشجویان چینی اثرات ارجاع به مادر را نیز نشان دادند. در حالی که از این اثر در میان غربی‌ها مشاهده نشده است. دانشجویان چینی در حافظه بازشناسی، مواد قبلی که به ارجاع به مادر^۵ رمزگردانی شده بود را بهتر از ارجاع به اشخاص عمومی نشان دادند. این تفاوت فرهنگی در ارجاع به مادر و خود که در بالا شرح داده شد به این دلیل است که شرقی‌ها، خود وابسته^۶ قابل دسترس‌تری دارند و به مادرشان به اندازه‌ای که آن‌ها به خود توجه می‌کنند اهمیت قائل هستند. در حالی که در غربی‌ها خود مستقل^۷ قابل دسترس‌تری دارند و به خود بیشتر توجه می‌کنند تا دیگران که حتی دیگران، شامل مادرانشان هم می‌شود.

5-Public Features

6-Mother-reference effect

7-Dependent self

8-Independent self

1-Recognition

2-Chui, c. Zhu, y&sui, j

3-Bicultural

4-Self-and mother-reference

اکثر مطالبی که ما درباره روان‌شناسی اجتماعی می‌دانیم از مطالعاتی نشأت می‌گیرد که نتیجه پاسخگویی به مردم اروپا و آمریکای شمالی به آزمون‌هاست. به‌طور منطقی می‌توان نتیجه گرفت که بیش از ۹۰ درصد روان‌شناسی اجتماعی از آمریکای شمالی (مثل مکزیک) نشأت گرفته است؛ اما این مقدار کمتر از ۷ درصد جمعیت بشری را شامل می‌شود (تریاندیس، ۱۳۷۸). اغلب پژوهش‌هایی که در زمینه تفاوت‌های فرهنگی صورت گرفته است بین کشورهای خاور دور و خاور نزدیک می‌باشد. در نتیجه جای خالی چنین پژوهش‌هایی در کشورهای خاورمیانه به وضوح مشهود است. اگر علم، خود را جهان‌شمول می‌داند پس ما برای بررسی یافته‌های خود نیازمند تحقیقات بین فرهنگی در همه فرهنگ‌ها می‌باشیم.

در واقع اغلب مطالعات انجام‌شده، طبقه‌بندی فردگرایی و جمع‌گرایی را به‌عنوان یک طبقه‌بندی دو مقوله‌ای پذیرفته‌اند. در اغلب مطالعات، مقایسه میان کشورهای شرق دور و کشورهای غربی به‌عنوان نمایندگان فرهنگ‌های جمع‌گرا و فردگرا پرداخته‌اند. به‌ندرت می‌توان مطالعه‌ای یافت که به بررسی سایر فرهنگ‌ها، به‌ویژه کشورهای خاورمیانه بپردازد. نکته‌ای که به دنبال پژوهش‌های مطرح‌شده و این نکته اخیر می‌توان مطرح کرد این است که کشورهایی مانند افغانستان و ایران در چهارچوب کدامیک از این فرهنگ‌ها قرار می‌گیرند؛ آیا تفاوت‌هایی که در مطالعات مربوط به مقایسه‌های فرهنگ‌های غربی و شرقی مشاهده شده است در مقایسه این دو کشور هم مشاهده می‌شود؟

روش

این تحقیق یک مطالعه شبه‌آزمایشی است که در آن کلیه دانشجویان کشورهای افغانستان (دانشگاه کابل)، ایران (دانشگاه تهران) و آمریکا (الم هورست) که در کشور خود اقامت داشته و در آنجا متولد شده‌اند با تفکیک جنسیت، شامل شده‌اند. نمونه آزمودنی‌ها از جامعه مذکور با روش نمونه‌گیری در دسترس^۱ یا داوطلبانه از دانشجویان کارشناسی روان‌شناسی انتخاب شده‌اند. میانگین سن کل آزمودنی‌ها ۲۲،۷۰ و با انحراف استاندارد ۴،۵ می‌باشد. از آنجا که حداقل حجم نمونه برای تحقیقات آزمایشی، ۱۵ نفر در هر گروه است (کال و دیگران، ۱۳۷۸، هومن ۱۳۸۴) و با توجه به هدف تحقیق حاضر سه گروه برای این مطالعه نیاز بوده است. نمونه مورد پژوهش، متشکل از ۹۸ دانشجوی مرد و زن از سه کشور افغانستان (۱۵ مرد، ۱۵ زن) آمریکا (۱۸ مرد، ۱۶ زن) و ایران (۱۵ مرد، ۱۹ زن) می‌باشد.

برای انجام این مطالعه یک برنامه کمپیوتری طراحی شده است. نرم‌افزاری در این رابطه توسط محقق طراحی و ساخته شده است که این دارای دو مرحله می‌باشد. مرحله اول مرحله بازنمایی

اولیه است که در واقع در این مرحله سه پرسش در رابطه با خود، مادر و دوست نزدیک ارائه شد و برای هر پرسش یک صفت مزبور نشان داده شد. این نوع نرم‌افزار نخستین بار توسط واگار (۲۰۰۳) بر روی حافظه بلندمدت کانادایی‌های آسیایی تبار و کانادایی‌های آمریکایی تبار استفاده شده است که با کمی ویرایش در این مطالعه نیز استفاده شده است. در مرحله دوم بعد از ۴۵ دقیقه تأخیر پس از بازشناسی تکلیف زمان واکنش برای آزمون کردن انواع صفاتی که در حافظه بلندمدت در مرحله اول رمزگردانی شده بود استفاده می‌شود. بر اساس زمان واکنش، تأخیر پاسخ در جواب با این پرسش‌ها اندازه‌گیری می‌شود. صفاتی که در این پژوهش استفاده شده است از مجموعه صفاتی بوده‌اند که اندرسون^۱ (۱۹۶۸) آن صفات را همراه با بار عاطفی آن در جوامع غربی و آمریکای شمالی اعتباریابی کرده است. تعداد صفاتی که در این پژوهش نیاز بوده است از مجموعه صفات اندرسون انتخاب شده است. صفات انتخاب شده به ده استاد روان‌شناس ایرانی و نیز به نه استاد روانشناس افغانستانی که هم به زبان انگلیسی و هم با اصطلاحات روان‌شناسی مسلط بوده‌اند ارائه شد و از آن‌ها خواسته شد تا ترجمه دقیق آن صفات را انجام دهند و بعد از برگرداندن به زبان فارسی ایرانی و فارسی دری، بر روی ۴۵ دانشجوی ایرانی و ۴۸ دانشجوی افغانستانی بار عاطفی منفی و مثبت این صفات، اعتباریابی شود. تعداد ۱۲۰ صفت (۶۰ صفت مثبت و ۶۰ صفت منفی) در این مطالعه استفاده شده است. شرکت‌کنندگان این کلمات را با وجود این که خودشان یا دوست نزدیکشان و همچنین مادرشان را شرح می‌دهد یا خیر، در مرحله اول، رمزگردانی و در مرحله دوم، بازشناسی می‌کنند. همه محرک‌ها (کلمات) در فاصله نزدیک در یک زمینه سیاه در مقابل سفید بر روی صفحه مانیتور کامپیوتر به صورت متوالی و تصادفی، بر روی نرم‌افزاری که به وسیله محقق طراحی شده است ارائه شد. آزمایش دارای دو مرحله است؛ مرحله اول آن مرحله بازنمایی اولیه است و هدف آن رمزگردانی‌های متفاوت در سه نوع پردازش در آزمودنی‌های سه کشور افغانستان، آمریکا و ایران است. مرحله دوم آزمون حافظه است که هدف اصلی این مرحله سرعت بازشناسی کلماتی است که در مرحله قبل ارائه شده‌اند که شاخصی از حافظه نهان است که به صورت جداگانه و با ۴۵ دقیقه تأخیر از مرحله اولیه صورت گرفته است. در این مرحله شرکت‌کنندگان به صورت انفرادی و در جلسه‌ای مجزا آزمون شدند. پیش از آغاز آزمایش اصلی، برای این که شرکت‌کنندگان با آزمایش آشنا شوند تعداد شش کوشش آزمایشی برای آن‌ها تدارک دیده شده بود. بعد از آشنایی آزمودنی‌ها با نحوه آزمایش، آنان وارد مرحله اول شدند. داده‌ها با روش آماری تحلیل واریانس، تجزیه و تحلیل شد.

یافته‌ها

تکلیف انتخاب شده در این آزمایش، متأثر از نظریه سطوح پردازش، به نقل از کریک و لاکهارت (۱۹۷۲) انتخاب شده است. مطابق این مدل، حافظه شامل انباره‌های متعدد و مجزا نیست بلکه اطلاعات در طول یک پیوستار بر اساس عمق رمزگردانی‌شان در حال تغییر است. با گسترش سطح پردازش، می‌توان نتایج آن را به پردازش اطلاعات مربوط به خود و دیگران نیز گسترش داد. به اثر خودارجاعی در مطالعات بین فرهنگی نیز توجه شده است؛ زیرا فرهنگ، بر شیوه سازمان‌یافتن حافظه شکل‌دهنده خود تأثیر می‌گذارد (حاتمی، ۱۳۸۷). شکل این تأثیرگذاری در فرهنگ‌های مختلف می‌تواند متفاوت باشد. برخی از پژوهش‌ها به بررسی اثر خودارجاعی و مقایسه آن با اثر ارجاع به دیگران در فرهنگ‌های فردگرا و جمع‌گرا پرداخته‌اند.

یافته‌های این تحقیق نشان داد که با توجه به نتایج جدول ۱-۱، بین سه گروه مورد مطالعه در این پژوهش، تفاوت معناداری در سرعت بازشناسی کل کلمات ارائه شده به شرکت‌کنندگان وجود دارد و نتایج آزمون توکی نشان داد که این تفاوت در میانگین دانشجویان افغانستانی با دانشجویان آمریکایی و ایرانی بوده است. این در حالی است که دانشجویان افغانستانی زمان بیشتری را نسبت به دانشجویان آمریکایی و ایرانی در بازشناسی کلمات رمزگردانی شده صرف کرده‌اند.

منبع تغییر	درجه آزادی	F	سطح معناداری
گروه (دانشجویان افغانستان، آمریکا و ایران)	۲	۵,۳۶	۰,۰۰۶
نوع پردازش	۲	۳,۵	۰,۰۳
کلمات	۱	۰,۰۳	۰,۸۵
خطا	۱۹۰	---	---
گروه* نوع پردازش	۴	۰,۷	۰,۵۹
گروه* کلمات	۲	۰,۶	۰,۹۳
نوع پردازش* کلمات	۲	۰,۲۳	۰,۷۸
گروه* نوع پردازش* کلمات	۴	۰,۳۴	۰,۸۴
خطا	۱۹۰	---	---

جدول شماره ۱: خلاصه اطلاعات تحلیل واریانس

یافته‌های این تحقیق نشان داد که با توجه به نتایج جدول ۱ اصلی، سه نوع پردازش ارجاع به خود، مادر و دوست با یکدیگر تفاوت معناداری دارند که نتایج آزمون توکی نشان داد که تفاوت در ارجاع به مادر با دو نوع پردازش ارجاع به خود و دوست می‌باشد و نیز نشان می‌دهد که شرکت‌کنندگان در این

پژوهش کلمات مربوط به خود و دوست را نسبت به مادر با سرعت بیشتری پردازش کرده‌اند. هنگامی که نوع پردازش با گروه در تعامل قرار گرفت تفاوت معناداری رخ نداده است که نتایج این قسمت از پژوهش نشان می‌دهد که مغایر با نتایج بررسی‌های صورت گرفته قبلی (مانند واگرا و چن، ۲۰۰۳؛ چوئی و همکاران، ۲۰۰۶) است. اما نتایج این پژوهش نشان داد که هیچ تفاوتی در خودارجاعی و هم‌چنین ارجاع به دیگران (از قبیل مادر و دوست نزدیک) بین دانشجویان کشورهای افغانستان و ایران با دانشجویان آمریکایی وجود ندارد.

در بیشتر پژوهش‌ها ذکر شده است که درجه بالایی از بسط‌یافتگی منجر به افزایش و ارتقاء حافظه می‌گردد (برای مثال: چوئی و همکاران، ۲۰۰۶). نتایج نشان می‌دهد که ارجاع به افرادی که از صمیمیت کمتری نسبت به افرادی که از صمیمیت بالایی برخوردار است باید بسط‌یافتگی کمتری داشته باشد (سیمون و جانسون، ۱۹۷۷). این دو پژوهشگر معتقدند، پردازش اطلاعات درباره افرادی که دارای صمیمیت بالایی (مانند مادر شخص) هستند، بایستی حافظه عالی را نسبت به ارجاع به افرادی که کمتر صمیمی هستند ارتقاء بدهد. درحالی‌که نتایج پژوهش حاضر نشان داد که در گروه‌های مورد مطالعه بین اثرات ارجاع به مادر و دوست و خود بدون در نظر گرفتن گروه تفاوت معناداری وجود داشته و این تفاوت نشان می‌دهد که نوع پردازش ارجاع به مادر با دو نوع پردازش ارجاع به خود و دوست متفاوت است این در حالی است که شرکت‌کنندگان زمان بیشتری را در بازشناسی کلمات مربوط به مادر نسبت به دوست صرف کرده‌اند که با نتایج پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه مانند (سیمون و جانسون، ۱۹۹۷؛ چوئی و همکاران، ۲۰۰۶) مغایر می‌باشد. این در حالی است که اثرات اصلی سه نوع پردازش در تعامل با گروه در سرعت بازشناسی کلمات تفاوتی مشاهده نگردیده است. درحالی‌که این پژوهش انتظار داشت کلمات مربوط به مادر نسبت به دوست منجر به تسهیل و ارتقاء گردد. که این اثر در مطالعه حاضر مشاهده نشد

در پژوهش حاضر به بررسی تفاوت گروه‌های مورد مطالعه در مورد ویژگی‌های شخصی، با بار عاطفی مثبت و منفی در تعامل با اثر نوع پردازش و نیز بدون تعامل با نوع پردازش پرداخته شده است. نتایج نشان داد که بین سه گروه با تفکیک و بدون تفکیک سه نوع پردازش، همراه با بار عاطفی کلمات مثبت و منفی تفاوت معناداری مشاهده نگردیده است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت، با توجه به این موضوع که یکی از عوامل تأثیرگذار در تکوین شخصیت، فرهنگ می‌باشد. و با توجه به نتایج به‌دست‌آمده در این پژوهش، شاید بتوان گفت کشورهای خاورمیانه از قبیل افغانستان و ایران دارای ویژگی‌های خاصی در روان‌بنه‌های خود می‌باشد درواقع نتایج این پژوهش نشان داد که این دو کشور افغانستان و ایران ساختار روان‌بنه‌هایشان تمایل به کشورهای غربی دارد. که طبعاً این ویژگی‌ها کشورها را از سایر کشورهای آسیای شرقی متمایز می‌سازد.

منابع

پور حسین، رضا، (۱۳۸۴). *روان‌شناسی خود*، تهران، انتشارات امیرکبیر.
 حاتمی، جواد. (۱۳۸۷). *خویشتن*، جلد اول، چاپ اول، تهران، انتشارات تبلور
 کرمی نوری، رضا. (۱۳۸۳). *روان‌شناسی حافظه*، با رویکرد شناختی، تهران، انتشارات سمت
 تری هاندیس، هری چارا لامبوس، (۱۳۷۸). *فرهنگ و رفتار اجتماعی*، ترجمه نصرت فتی، جلد اول،
 چاپ اول، انتشارات رسانش

Anderson, N. H. (1968). Likableness ratings of personality-trait, 555 words. *Journal of Personality and Social Psychology*, 9(3), 272-279

Bower; G. H., & Gilligan, S. G. (1979). Remembering information related to one's self. *Journal of Research in Personality*, 13, 420-432.

Brown, P., Keenan, J. M., & Potts, G. R. (1986). The self-reference effect with imagery encoding. *Journal of Personality and Social Psychology*, 51, 897-906.

Craik, F. I. M., & Tulving, E. (1975). Depth of processing and the retention of words in episodic memory. *Journal of Experimental Psychology: General*, 104, 268-294.

Craik, F. I. M., & Lockhart, R. S. (1972). Level of processing: A framework for memory research. *Journal of verbal learning and verbal behavior*, 11, 671-676.

effects: consequences of cultural priming on recognition memory. *Journal of Experimental social psychology* 43/818-824

Halpin, J. A., Puff, R., Mason, H. E., & Marston, S. P. (1984). Selfreference encoding and incidental recall by children. *Bulletin of the Psychonomic Society*, 22, 87-89

Hong, Y., Morris, M., Chiu, C., & Benet-Martinez, V. (2000). Multicultural minds: A dynamic constructivist approach to culture and cognition. *American Psychologist*, 55, 709-720.

- Keenan, J. M. (1993). *An exemplar model can explain Klein and Loftus' results*. In K. Srull & R. S. Wyer (Eds.), *Advances in social cognition* (Vol. 5, pp. 69-78). New York: Erlbaum.
- Information processing and the study of the self. In L. *Journal of Experimental Social Psychology*, 24, 469-489.
- Markus, H., & Kitayama, S. (1991). Culture and the self: Implications for cognition, emotion, and motivation. *Psychological Review*, 98, 224-253
- Markus, H., & Wurf, E. (1987). The dynamic self-concept: A social psychological perspective. *Annual Review of Psychology*, 38, 299-337.
- Rogers, T. B., Kuipers, N. A., & Kirker, W. S. (1977). Self-reference and the encoding of personal information. *Journal of Personality and Social Psychology*, 35, 677-688
- Symons, C.S. Johnson, B.T. (1997) The Self-Reference Effect in Memory: A Meta-Analysis. *Psychological Bulletin American Psychological Association, Inc.*, Vol. 121, No. 3, 371-394
- Wagar, B.M. Chen, D. (2003). Culture, memory, and the self: An analysis of the personal and collective self in long-term memory, *Journal of Experimental Social Psychology*, 39, 468-475.